

• با تحریکات جنگی آمریکا مقابله نمائیم!

• با گروه ۲۰ (G ۲۰) مبارزه کنیم!

## باتحریرکات جنگی آمریکا مقابله نمائیم!



در بیستم ژانویه، دونالد ترامپ (Donald Trump) بعنوان رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا (USA) انتخاب گردید از این زمان ما همگی کم و بیش کاربرد تصورات بغایت ارتجاعی او را در سیاست داخلی و خارجی احساس می‌کنیم. در صحنه سیاست جهانی رفتار او بغایت دو پهلو و تا غیر قابل انتظار بنظر می‌رسد. بدین معنا که یکبار پیمان اتلانتیک شمالی (NATO) را بیهوده و بار دیگر با "اهمیت" اعلام می‌کند و از طرف دیگر می‌گوید همگی بنظر من باید به افزایش تسلیحاتی ادامه دهند. ایالات متحده آمریکا به تنهایی در نظر دارند بودجه نظامی خود را به مبلغ ۵۴ میلیارد دلار افزایش داده و تا سطح ۶۵ میلیارد دلار برسانند. پولی که می‌بایست از قبل زدن بودجه تأمینات اجتماعی و حفظ محیط زیست تأمین شود. ترامپ همچنین از کشورهای عضو پیمان اتلانتیک شمالی و همچنین اروپائی می‌خواهد که بودجه‌های نظامی خود را افزایش دهند. عملی که تهدید مستقیم برای امپریالیسم روسیه بوده و او را مجبور می‌کند متقابلاً بودجه نظامی خود را افزایش دهد.

هدف فعلی سیاست تهاجمی آمریکا جمهوری دمکراتیک خلق کره و برنامه موشکی آن است. در این مقال هدف ما ارزیابی دولت رویزیونیستی کره شمالی نیست (برای مطالعه بیشتر می‌توانید به پرولتاریای انقلابی شماره‌های ۶۵، ۴۱، ۶۴، ۲۲ مراجعه نمایید). برخلاف ایالات متحده آمریکا کره شمالی با وجود برنامه تدافعی و علمی‌اش هیچگونه سیاست کشورگشائی نداشته و تهدیدی برای همسایگانش نیست. برعکس ایالات متحده آمریکا دایم به بهانه‌های مختلف مشغول راکت پراکنی است. با وجود این دولت پیونگ یانگ (Pjöngjang) پیوسته با تحریم‌های خودسرانه و ضد مردمی روبروست و زیر فشار قرار می‌گیرد و آمریکا، ژاپن، و کره جنوبی پیوسته مانورهای خشونت‌گرایانه نظامی در حوالی مرزهای کره شمالی انجام می‌دهند.

دستگاه‌های تبلیغاتی غرب مرتب بر طبل دروغ "کره شمالی خواهان جنگ اتمی است می‌گویند". راستی ما چه می‌گفتیم اگر آلمان با ایالات متحده آمریکا سالی چندین بار تصرف اتریش را در پشت مرزهای ما تمرین می‌کردند؟ سال گذشته - جمهوری دموکراتیک خلق کره (DVRK) در سازمان ملل متحد (UNO) بعنوان تنها کشوردارنده قدرت اتمی، توافق خود را برای ایجاد تریبونی جهت ممنوعیت کامل استفاده از سلاح‌های اتمی اعلام کرد.

در مقابل، دورویی و ریاکاری ایالات متحده آمریکا را میتوان آشکارا در سیاستش در سوریه و در رابطه با اتهامات جعلی در بکاربرد اسلحه‌های شیمیایی مشاهده کرد. اینکه اسد از سلاح شیمیایی علیه مردم استفاده کرده‌است یا نه، از فاکت‌های موجود بسختی قابل قضاوت است و اضافه می‌کنیم اخباری که این حمله را تأیید می‌کنند بهیچ‌وجه دارای منابع مستقل و قابل اعتماد نیستند. در مقابل این سندی اثبات شده- است که دولت آمریکا همانطور که در مثال عراق دیدیم اتهامات واهی (کشف اسلحه‌های گشتار دسته- جمعی و جنایات جنگی در کویت) را جهت توجیه تجاوز جنگی تدارک و به محور تبلیغاتی خود تبدیل کرده‌بود. اضافه بر اینها آمریکا در عراق و در بالکان گلوله‌های آغشته به اوران را که موجب مرض سرطان می‌شود علیه مردم عادی بکار گرفت.

از منظر اخلاقی باید امپریالیست‌ها را که آتش جنگ در سوریه را روشن کردند و موجب فرار بی خانمانی هزاران پناهنده و غرق شدن آنها در دریای مدیترانه می‌شوند در مقابل چشمانمان قرار دهیم.

اینکه با جنگ و بمباران بیشتر می‌توان صلح را تضمین کرد، اوج عوامفریبی سیاست امپریالیسم آمریکاست که دنیای عرب را به چنین وضعیتی کشانده‌است. ما هرگونه دخالت در سوریه، حال مستقیم توسط امپریالیست‌ها و یا رژیم‌های وابسته به آنها و نیز قدرت‌های منطقه‌ای را رد و محکوم می‌کنیم. نمونه جنبش آزادی‌بخش ملی کرد در شمال سوریه نشان داد که چگونه مردم قادرند سرنوشت خود را بدست بگیرند، بدون اینکه منتظر دموکراسی اهدائی آمریکائی باشند. از طرف دیگر باید گفت، امپریالیسم یانکی بهیچ‌عنوان دشمن اصلی مردم اتریش نیست و باید با تمهیدات جنگی تمامی امپریالیست‌ها مبارزه شود. دیکتاتوری طبقاتی امپریالیستی خودی هم به افزایش تسلیحاتی خود ادامه می‌دهد و هیچ نقشی در تشنج- زدائی و کاهش خطر جنگ بین‌المللی ندارد.

### نقش اتریش در خطر بروز جنگ

ما بعنوان کمونیست‌های انقلابی موافق تصورات رفرمیستی بعضی از چپ‌ها در یک "اتریش بیطرف" نیستیم. یاهو سرانی درباره بیطرفی برای کشورهای امپریالیستی "بیطرف" مانند اتریش، سوند و سوئیس پوششی بر عملیات نظامی و (تسهیل صدور سرمایه) است. اتریش هیچگاه کشوری بیطرف نبود. درست در سال 1960 سربازان اتریش در کشور تازه آزاد شده کنگو مستقر شدند و در سالهای باصطلاح دموکراسی کرایسکی، اتریش بعد از چندی، بار دیگر با افزایش صدور سرمایه بعنوان یک قدرت کوچک امپریالیستی به صحنه جهانی بازگشت.

اواخر سالهای 1980 بخشی از بورژوازی اتریش ملی‌گرایان ارتجاعی را در یوگسلاوی مورد حمایت قرار داد و در کنار آلمان در فروپاشی یوگسلاوی نقش مهمی ایفا نمود. در حال حاضر حدود 850 سرباز ارتش فدرال و دهها پلیس اتریش در بالکان مستقراند، تا سود مافوق از مستعمرات جدید را تضمین نمایند. همچنین شاهدیم اتریش با وجود داشتن ریاست «سازمان امنیت و همکاری اروپا» (OSZE) نه تنها هیچ قدمی در راه حل مشکل اکرانین بر نمی‌دارد، بلکه برعکس هدف آن توسعه ساختارهای وابستگی توسط راهکارهای نئولیبرالی است.

جنگ در کشورهای امپریالیستی واقعاً به چه معناست؟ استثمار شده‌ای را مجبور می‌کنند تا استثمار شده دیگری را بکشند! چرا؟ بخاطر چه کسی؟ بخاطر سرمایه‌داران تا بتوانند سود بیشتری بدست آورند. باید این سؤال را مطرح کرد، جنگ‌هایی که توسط ترامپ و متحدینش در سوریه و شبه جزیره کره برپا شده است، انطور که تبلیغات امپریالیستی ادعا می‌کنند آزادی و کوکاکولا را بهمراه دارد، یا تخریب و استثمار بیشتر را؟ این پرسش وجود دارد که چه چیزی نصیب یک کارگردر کشورهای مرکز سرمایه-

داری می‌شود اگر بمبی از یک پهباد به بیمارستان کودکان در بغداد اثابت می‌کند؟ آیا جنگ در اینجا هم منجر به تشدید نظامی‌گرایی و فاشیستی‌شدن در متروپل نمی‌شود؟  
ما از موضع انقلابی حرکت می‌کنیم: جنگ امپریالیستی را باید با جنگ انقلابی! پاسخ گفت و به آکسیونهای پیشگیرانه در ممانعت از جنگ دست زد.  
تبلیغات بورژوازی به راسیسم و تصورات عظمت‌طلبانه درون پرولتاریا دامن می‌زند تا آگاهی و همبستگی را کدر کرده و از محتوا تهی نماید، در نهایت آنچه توده‌های میلیاردری کارگران، اقشار دهقانی و خرده‌بورژوازی تحت‌ستم در جهان نصیبشان می‌گردد استثمار همگی‌شان توسط اربابان سرمایه است. تنها همین واقعیت تدارک فوری سرنگونی استثمارکنندگان را دو چندان می‌کند.

### مرگ بر جنگ افروزان!

آمریکا و متحدینش باید خاک کشورهای تحت‌سلطه، مانند افغانستان را ترک کنند!  
زنده باد انترناسیونالیسم پرولتاریائی!

وین- اول ماه مه ۲۰۱۷

تذکر: این اعلامیه توسط <آلترناتیو برای ایجاد حزب کمونیست انقلابی>  
تهیه شده که در نشریه این سازمان < پرولتاریای انقلابی > شماره ۴  
[lark2017@yahoo.com](mailto:lark2017@yahoo.com) درج شده‌است.  
۶۸، ماه مه ۲۰۱۷

# دشمن مشترک ما سرمایه است مبارزه‌ای جهانی علیه آن سازمان دهیم!

## با گروه ۲۰ (G ۲۰) مبارزه کنیم!

از هفتم تا هشتم ژوئیه ۲۰۱۷ سران دولت و کشورهای **گروه ۲۰**، شهر هامبورگ در آلمان را به اشغال خود در می‌آورند. این گروه که توسط وزرای دارایی و نخبگان اقتصادی همراهی می‌شوند، تصمیماتی را اتخاذ می‌کنند که زندگی میلیون‌ها انسان را در سراسر گیتی رقم می‌زند.

### گروه ۲۰ چه کسانی‌اند؟

**گروه ۲۰** متشکل از قدرت‌های امپریالیستی: چین، آلمان، فرانسه، بریتانیای کبیر، ژاپن، کانادا، روسیه، ایالات متحده آمریکا، با اضافه پروژه امپریالیستی اتحادیه اروپا و نیز کشورهای سرمایه‌داری با انگیزه‌های برتری طلبانه: آرژانتین، برزیل، استرالیا، هندوستان، اندونزی، مکزیک، عربستان سعودی، آفریقای جنوبی، کره جنوبی و ترکیه هستند.

به اینها باید نمایندگان ابزارهای قدرت بین‌المللی: صندوق بین‌المللی پول (IMF)، بانک جهانی (WB)، سازمان ملل متحد (UNO)، سازمان برای همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) و نیز شورای تثبیت مالی که توسط **گروه ۲۰** ایجاد شده‌است را، اضافه کرد. **گروه ۲۰** ادعا می‌کند که ۲/۳ جمعیت جهان را نمایندگی می‌کند. در این کشورها در مجموع تقریباً ۹۰٪ درآمد ناخالص ملی (BIP) تولید می‌شود و ۸۰٪ تجارت جهانی توسط آنها انجام می‌گیرد. این یک مشت قدرت امپریالیستی و سرمایه‌داری، تمامی کشورهای جهان را وابسته و زیر سلطه خویش کشیده و نیروی کار ارزان آنها را شدیداً استثمار می‌کنند. آنها بخصوص از کار زنان و کودکان در بدترین شرایط کاری، بالاترین استفاده را می‌برند و زحمتکشان این کشورها را بیش‌رمانه استثمار کرده و به فقر و فلاکت می‌کشانند.

این چند قدرت بزرگ، نظم اقتصادی جهان را طبق خواسته بورژوازی بزرگ و سرمایه مالی برنامه‌ریزی و اداره کرده و اقتصاد جهانی را کنترل می‌کنند. آنها استخراج مواد خام، منابع طبیعی، بازار خرید و فروش و راه‌های حمل و نقل را در اختیار دارند. آنها تعیین می‌کنند که چه چیز، کجا و چگونه تولید شود. مشروعیت عمل و یا داشتن اجازه جنبه صوری داشته و فاقد هرگونه توجیه قانونی است. تصمیم‌گیری و اختیار عمل را این نمایندگان خودگمارده تعیین می‌کنند.

**گروه ۲۰** دزدانی بیش نیستند که از قبل استثمار کارمردم زحمتکش، به غارت‌گری خود در ابعاد جهانی مشغولند. آنها در صورت لزوم برای دسترسی به مواد خام و کسب حوزه‌های نفوذ دست به جنگ می‌زنند.

آنها قدرت‌های تعیین کننده‌ای هستند که اعم تصمیمات در باره جهان را در بخش مالی و سیاسی اتخاذ می‌کنند. آنها کشورهای تحت سلطه را در وضعیت نواستعماری قرار می‌دهند و رژیمهای مطیع را بر سر کار می‌آورند و رژیمهای خودسر را از قدرت برکنار می‌کنند و به تحریکات ملی و مذهبی و نژادی علیه خلقها دامن می‌زنند. آنها در اتحاد با هم سیستم سرمایه‌داری را پابرجا نگاه داشته‌اند - با نان قندی و شلاق: تشویق علایق مصرفی بیهوده، پروراندن فاشیسم و ایجاد کوره‌های جنگ.

با وجود این **گروه ۲۰** یک بلوک درونی منسجم نیست که سلطه خود را یکدست به دنیا اعمال کند، بلکه برعکس "یگانگی" آنها شکننده بوده و در رقابت شدید با یکدیگر قرار دارند و مترصدند مناطق نفوذ جدیدی را از حریفان شکار کنند و در صورت رشد تضادهایشان به تجاوز نظامی هم، متوسل می‌شوند. آنها جمهوری دمکراتیک کنگو، هائیتی و مالی را جهت فریب توده‌های زحمتکش به بهانه "انساندوستی" و یمن یا سوریه و عراق و افغانستان را تحت لوای مبارزه "علیه تروریسم" به صحنه جنگ تبدیل کرده‌اند. بیش از چندین دهه است که این کشورها را اشغال کرده و تحت قیمومیت خود در آورده‌اند، مثل سومالی، یونان و بوسنی. رقابت آنها حول تصاحب منابع طبیعی، تصرف بازارهای بیشتر و کنترل راههای تجاری

می‌گردد. آنها برای پیشبرد سیاستهایشان به اتحادهای مقطعی وموقت گردن می‌گذارند، ائتلافات آنها همواره مشروط بوده و بهیچوجه پایدار نیستند. در شرایط کنونی اتحادیه اروپا (EU) و ایالات متحده آمریکا (USA) علیه روسیه و چین متحد می‌شوند و کشورهای (Brics) برزیل، روسیه، هندوستان، چین و آفریقای جنوبی باهم علیه برتری طلبی (EU) و (USA). درحال حاضر این قدرت‌های بزرگ امپریالیست <گروه ۲۰> هستند که حرف اول را درجهان می‌زنند و سرنوشت جهان را تعیین می‌کنند و برای تامین هژمونی خویش علیه یکدیگر در مبارزه اند، بطوریکه تشدید تضادهای درونی آنها رقابت آنها را شتاب بیشتری می‌بخشد.

در میان گروه ۲۰ دولت‌های "خوب یا بهتر" و یا دارای مقداری بیشتر و یا کمتر دمکراسی بورژوازی یا فاشیسم وجود ندارد، آنها همگی غارتگران بزرگ و کوچک و کشورهای استثمارکننده و ضد بشری‌اند.

### **بحران آنها فقر ماست!**

اگر به میل آنها باشد می‌بایست ما همچنان برده‌وار زندگی کنیم، ودر برابرکاهش دستمزدها و حقوق بازنشستگی و تهی کردن سیستم اجتماعی سکوت نمائیم تا ثروت حاصله از کارما بدون مزاحمت به جیب آنها سرریز گردد. ما باید همچنان شاهد تخریب محیط زیستمان باشیم و اندک زمینه حیاتمان را برای تولید با هدف سود و زندگی مصرفی و نه رفع احتیاجات واقعی بکلی نابود کرده وبه مرگ تدریجی تن - دردهیم.

درجهان فعلی ۱/۲ میلیارد انسان در فقرمطلق بسر می‌برند ومیلیونها نفر از تغذیه کافی برخوردار نیستند، در مقابل انباشت سرمایه در دست اقلیتی ناچیز دایم افزایش می‌یابد. هشت میلیارد بزرگ جهان - همگی مرد - ۵۰/۸ درصد ثروت جهان را درتملک خویش دارند. بعبارتی دیگر ثروتی بیشتر از ۹۹٪ جمعیت جهان. درآلمان ثروتمند، ۳۶ میلیارد، ثروتی معادل نصف جمعیت فقیررا در اختیار دارند وصاحب ۱/۳ ثروت جامعه‌اند.

### **علیه امپریالیسم مبارزه کنیم!**

نشست <گروه ۲۰> همچنین صحنه مبارزه قدرت‌های بزرگ برای تجدید تقسیم جهان به هر قیمت و با هر وسیله‌ای است. این مبارزه یکی از خطوط اساسی امپریالیسم است. امپریالیسم همواره آستن جنگ و برافروختن کوره‌های جدید جنگ است، کنگو، سودان، لیبی، سوریه، اوکراین، افغانستان و... نمونه‌های روشنی از بربریت این نظام و افزایش خطر بروزجنگ جهانی دیگری است. تنشج در جنوب دریای چین مابین آمریکا وچین روزبروز شدت می‌یابد. صنعت وتولید نظامی برای صادرات رونق یافته وهزینه‌ای بالغ بر ۱/۵۷ بلیون دلار را شامل می‌شود وبیدین طریق ثروت عظیمی نابود شده که حاصل آن چیزی جز مرگ ونکبت برای مردم زحمتکش نیست .

جنگ در بیرون با جنگ در داخل درهم آمیخته که نتیجه آن برآمد امواج دیگری از عظمت‌طلبی، رشد فاشیسم وژادپرستی علیه مهاجرین وپناهندگان است. راسیسم دولتی زحمتکشان را علیه همدیگر تحریک می‌کند. مرزها برای پناهندگان ومهاجرین غیرقابل عبور وبسته می‌شود وتهاجمات راسیستی روز بروز افزایش یافته وخشن‌تر می‌شوند.

تحت بهانه "مبارزه فرهنگ‌ها" درون کشورهای امپریالیستی به جنگی راسیستی وعظمت‌طلبانه علیه آنهایی که به "استانداردهای" غربی تن در نمی‌دهند دامن زده می‌شود - با هدف ایجاد نفاق درون زحمتکشان می‌خواهند مسببین واقعی جنگ، فقر، استثمار و تحقیر دیگران را ازدید مردم دور نگاهداشته و از زیر ضرب خارج نمایند.

فاشیستی‌شدن درونی افزایش می‌یابد: به بهانه تامین "امنیت داخلی" همه جا چشم وگوشه‌های مراقبتی، کنترل و جاسوسی کار گذاشته شده‌است.

امپریالیسم بمعنای استثمار وغارت خلقها دروسعت جهانی است! امپریالیسم بمعنای تحکیم برده‌داری، تحقیر و بردگی زنان، محکم کردن بندهای پدرسالاری و میدان دادن به دشمنی با همجنس‌گرایان است.

امپریالیسم بمعنای تشدید استثمارکارگران مهاجر- آنها مجبورند نیروی کارشان را ارزان بخاطر یک پول بخور و نمیر بفروشند. قوانین کاری آنها محدود و تا بی حقوقی کامل بسط داده شده است. امپریالیسم بمعنای آینده‌ای تاریک و بدون افق برای کارگران و جوانان! و بمعنای به زنجیر کشیدن ملت‌های سرکوب- شده و اقلیت‌های ملی و مذهبی است. امپریالیسم بمعنای بکارگیری مذهب بعنوان تریاک خلقها و تحریک آنها علیه همدیگر است! و نیز بمعنای تخریب محیط زیست که بخش بزرگی از زحمتکشان را به فلاکت مطلق کشانده و مجبور به فرار کرده است، می‌باشد! طبق آمار موثق ۶۵ میلیون انسان مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده‌اند. ثروتمندان در برج و باروی رفاه کشورهای خود پناه گرفته‌اند و همزمان پناهجویان در ساحل دریاها بکام مرگ رها می‌شوند و یا آنها را در حصارهای سیم خاردار در شرایط بغایت غیر انسانی به بند می‌کشند.

در چنین نظامی نمی‌تواند صحبتی از صلح باشد! جواب ما این است، این نظام بربرمنشانه باید نابود گردد! به هزاران دلیل روشن اجازه نخواهیم داد گروه ۲۰ برنامه‌هایشان را بر احوالی به پیش ببرند و همگی را فرا می‌خوانیم: خود را برای یک مقاومت انقلابی سازمان دهند. برای ما انسانهای انترناسیونالیست بسیار مهم است از هر شکلی از مقاومت در برابر استثمار پشتیبانی نماییم!

وظیفه اصلی ما سازماندهی مبارزه علیه امپریالیسم خودی است. مبارزات گذشته درگامیش- پارتن کیرخن/پایرن (Garmisch -Partenkirchen, Bayern) گروه ۷۰ (G-7) در فرانکفورت (Frankfurt) افتتاح بانک مرکزی اروپا و برلین (TTIP) سازمان تجارت جهانی، نشان دادند که طیف مقاومت گرنه- گون و رنگین کمان خواهد بود که در مرکز آن باید انتظار آکسیون‌های پیش‌بینی نشده‌ای را داشت. جنبش‌های اخیر علیه نشست گروه ۲۰ نتیجه اتحاد عمل‌های گسترده‌ای است، که بخش بزرگی از آنها را نیروهای بورژوا- رفرمیستی و حتی ضدانقلابی تشکیل می‌دهند. در این کارزار نیروهائی هم هستند که در حین مبارزه علیه جهانی شدن سرمایه از دولت‌های ملی‌شان دفاع می‌کنند. موضعی که ما آنرا کاملاً غلط ارزیابی می‌کنیم! زیرا چنین رویکردی به ملی‌گرایی دامن زده و امپریالیسم خودی را تقویت می‌کند. تعدادی از سازمان‌های غیردولتی (NGOs) یک هفته قبل از شروع نشست <گروه ۲۰> یک سلسله از اعتراضات را سازماندهی کرده بودند. آنها با این عمل، خود را از جنبش مقاومت ضد سرمایه‌داری جدا کرده و آنرا تضعیف می‌کنند.

برای نشست <G-20> اتحاد بورژوائی حرکت "هامبورگ بیا می‌خیزد" را تدارک دیده است. استراتژی آنها روشن است: مقاومت ضد سرمایه‌داری را "ایزوله" و آنرا بعنوان "عوغای خرابکاران" معرفی و دشمن را به چند چهره عظمت‌طلب مانند ترامپ، پوتین و اردوگان خلاصه نمایند. در بین چپ‌ها هم افراد زیادی هستند که این سه نفر را بعنوان دشمن اصلی نشانه می‌گیرند، درحالیکه اینان هم مانند تمامی سیاستمداران بورژوازی از زمره نمایندگان سرمایه‌اند.

آنچه که برای ما کمونیست‌ها همانند گذشته تعیین کننده است، دشمن اصلی در کشور خودی است. این مهم بدین معنا نیست که ما فقط منطقه‌ای و یا محلی فکر می‌کنیم و از مبارزه با دیگر نیروهای امپریالیستی، کاپیتالیستی و یا حتی فاشیستی چشم می‌پوشیم! نه! ما در آلمان، یعنی یکی از قدرت‌های بزرگ امپریالیستی زندگی می‌کنیم. اگر می‌خواهیم از خلقها و زحمتکشان مبارز در سطح جهان پشتیبانی نماییم، باید همین جا و امروز بخصوص علیه امپریالیسم خودی، آلمان در صف کمونیست‌ها مبارزه نماییم. تعدادی از سازمان‌های غیردولتی < گروه ۲۰> را پوشش می‌دهند و حرفی برای گفتن ندارند. آنها این نشست را توجیه و در نهایت به آن کمک می‌کنند. ما از <گروه ۲۰> انتقاد نمی‌کنیم و بحثی هم با آنها نداریم آنها تماماً نمایندگان نظام سرمایه‌داری و دشمن ما هستند و باید با آنها قاطعانه مبارزه کرد.

### حکومت نظامی در شهر و دولت

تأمین ثبات- نیاز به آینده‌ای بهتر- مسئولیت‌پذیری"، اینها شعارهای این نشست هستند. آنها مدعی‌اند منافع ما را تأمین می‌کنند، اگر چنین است دیگر لازم نیست ۱۵۰۰۰ پلیس برای حفظ خود و بر علیه ما

بسیج کنند و مرزها را کنترل، ماشین‌های آبپاش را به خیابانها روانه و بالگردها را برفراز سرما به حرکت درآورند. آنها با این کارها حول قصر نشست‌شان در هامبورگ حصار می‌کشند چون از ما ترس دارند. آنها هراس دارند که ما جشن آنها را به عزا تبدیل کنیم. طبق اخبار موثق این نشست ۷۵۰ میلیون یورو خرج خواهد داشت. با تمام این تدارکات اجازه نخواهیم داد از مقاومت ما جلوگیری کنند.

**ما می‌انیم و خیابانها را به عرصه مقاومت خود تبدیل می‌کنیم. ما معترضین به این نظام غیر انسانی‌ایم و خواهان انسانیت! و اکتبر نوینی هستیم!**

ما همبستگی خود را با تمامی خلقهای مبارز چه در هندوستان، مکزیک، ویا کردستان، فلسطین، فیلیپین، ایران و... اعلام می‌کنیم. آنها برای آزادی‌شان مبارزه می‌کنند. ماهمچنین همبستگی خود را با اعتصابات، شورش‌ها، اعتراضات و قیام‌های زحمتکشان درسراسرجهان اعلام می‌کنیم آنها برای جهانی بدون استثمار، بدون مرز، و شرایط بهتر زندگی و برای جهانی در صلح، برابری و همبستگی مبارزه می‌کنند.

### برای سوسیالیسم

ما از فرصت نشست سران کشورهای ۲۰ استفاده کرده و خشم خود را نسبت به این نظام ضد انسانی و برای دنیای بهتر به خیابانها منتقل می‌کنیم. بدیل ما سوسیالیسم است! در جامعه سوسیالیستی برای نیازهای انسانی و طبیعی تولید می‌شود و نه برای سود. در سوسیالیسم ثروت اجتماعی عادلانه تقسیم می‌شود، در سوسیالیسم به حرمت انسانها احترام گذارده می‌شود، و حقوق دگرباشان، حال بدون کشش جنسی، میل به همجنس‌گرایی زن و مرد و یا بی تفاوتی جنسی، مهاجر، پناهنده و یا اینجایی و یا از چه ملیت و یا مذهبی است، سیاه یا سفید است، غیر قابل انکار و مصون از تعرض است. بهمین جهت هدف ما بردن افق کمونیستی درون جنبش مقاومت و تبلیغ اشکال سازماندهی بلشویکی است.

دشمن در کشور خودی است! اگر بدانیم دشمن کجاست، بهتر می‌توان آنرا مورد حمله قرار داد. خود را سازماندهی کنید!

با ما برای جهانی بدون استثمارانسان و طبیعت مبارزه کنید! بدیل سرخ ما در برابر جهانی شدن سرمایه عبارت است از: مبارزه برای نابودی بورژوازی خودی و پشتیبانی همزمان از جنبش‌های انقلابی در کشورهای دیگر علیه دشمن مشترک.

### با امپریالیسم در سراسر جهان مقابله نماییم!

پرولتاریای تمامی کشورها و خلقهای تحت‌ستم علیه امپریالیسم، استثمار، سرکوب و تخریب اساس زندگی زحمتکشان متحد شوید!

هرچند که آرزوی تحقق سوسیالیسم به عقب رانده شده‌است، با وجود این رویای روزا لوکزامبورگ، کارل لیبکنشت تنها بدیل واقعی‌اند. ما جرأت آرزوکردن را داریم، ما جرأت مبارزه کردن را داریم و جرأت کسب پیروزی را هم خواهیم داشت. آوریل ۲۰۱۷

درج، چاپ و نشر نوشته با ذکر نام و منبع آن آزاد است!

تذکر: این اعلامیه توسط <با وجود همه اینها> Trotz alledem! تهیه شده است که ترجمه فارسی آن

در اختیار جنبش فرامی‌گیرد. ترجمه این نوشته بمعنای توافق با کلیه دیدگاهها و مواضع این سازمان نیست!

برای آشنائی بیشتر با این جریان به سایت زیر مراجعه نمایند.

Trotz alledem! (Deutschland) – TA [trotzalledem1.ml](http://trotzalledem1.ml)

ترجمه و تکثیر <یکی از فعالین چپ در وین - اتریش >

Kontakt: Iran-Rat, Amerlinghaus, Stiftgasse 8, A-1070 Wien

email: [linksaktivist@gmx.at](mailto:linksaktivist@gmx.at)